

## مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده)

علی غلامی\*

محمدحسین مجتهدی\*\*

محمدحسن طهماسبی\*\*\*

### چکیده

تبادل میان صیانت از حقوق فردی و حفظ و استمرار امنیت اجتماعی از جمله رسالت‌های کلیدی سیستم عدالت کیفری است که در حوزه برخی ضمانت اجراها به چالش کشیده می‌شود. همچنان که در پاره‌ای جرایم، حفظ حیثیت اشخاص و امنیت روانی جامعه ایجاب می‌کند حتی‌الامکان از اعلان و افشای جرم خودداری شود؛ در مقابل، معرفی مرتکبان برخی جرایم نیز لازمه استقرار امنیت اجتماعی تلقی می‌گردد. مجازات «تشهیر» نمونه بارزی از گزاره فوق بوده که در برخی مواد قانونی مورد اشعار مقنن قرار گرفته است. از جمله این موارد می‌توان به مواد ۱۹، ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات‌هایی اصلی و تکمیلی و همچنین تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود. نظام کیفری اسلام مجازات تشهیر را به رسمیت شناخته و در ساختاری سازمان‌یافته و با اهدافی مشخص در بازدارندگی و پیشگیری به کار بسته است. در این میان، تشهیر در خصوص برخی جرایم حدی و نیز موارد معدودی از تعزیرات مورد تصریح قرار گرفته و لیکن اعمال آن در سایر جرایم تعزیری محل تأمل است. نوشتار حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی، نخست به این مهم

\* رئیس دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

1355gholami@gmail.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

Mhmmojtahedi@gmail.com

Mh.tahmasbi1@gmail.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۱

---

می‌پردازد که آیا پیش‌بینی تشهیر در گستره جرایم تعزیری مغایرتی با موازین و احکام اسلامی دارد یا خیر و سپس در رویکردی تطبیقی با قوانین و احکام قضایی ایالات متحده به توجیه کیفرشناختی این مجازات پرداخته و مرجحات وجود این نهاد کیفری در سیستم عدالت کیفری را تحلیل خواهد نمود. در نهایت نوشتار اثبات نموده است که نه تنها مانع قانونی و فقهی مبنی بر استفاده از مجازات تشهیر در تعزیرات وجود ندارد، بلکه اصول جرم‌شناختی و کیفرشناختی معاصر، تحصیل هرچه بیشتر اهدافی چون بازدارندگی و پیشگیری از ارتکاب برخی جرایم را از رهگذر اعمال مجازات تشهیر میسر می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** تشهیر، تعزیر، پیشگیری، بازدارندگی، مجازات.

تعمق در سیر تحول مجازات‌ها حاکی از آن است که نظام‌های عدالت کیفری در طول تاریخ در صدد بوده‌اند تا در عین افزایش کارآمدی و قدرت بازدارندگی مجازات‌ها، از استخفاف بزهکار خودداری نموده و راه بازگشت وی به زندگی سالم را مسدود نمایند. در حقیقت، رعایت کرامت فردی و حقوق انسانی بزهکار از یک طرف و حفظ و نگاهبانی حقوق جامعه از سوی دیگر الزاماتی هستند که به کارگیری هر گونه مجازاتی را نیازمند تدقیق در مبانی جرم‌شناختی و کیفرشناختی آن ساخته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با عنایت به ضرورت‌های فوق، سعی در ارائه شاکله‌ای از نظام کیفری منسجم و هماهنگ داشته است تا الزامات فوق را محقق سازد. به موجب بندهای ۲، ۴ و ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» وظایفی است که بر عهده قوه قضاییه قرار دارد. در عین حال، مطابق اصل سی و نهم این قانون، «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

سیطره اصول و الزامات فوق‌نہ‌تنها موجب نشده تا مفهوم «کیفرهای شرمسارکننده (شرم‌سارانه)»<sup>۱</sup> به امری مطرود در سیستم‌های عدالت کیفری تبدیل شود، بلکه با تغییر قالب و کیفیت، از بدوی‌ترین روزگاران تا قرن معاصر همچنان به‌عنوان مجازاتی کارآمد تلقی شده که می‌توان «تشهیر» را نمونه بارزی از این گونه مجازات‌ها دانست. این مهم در فقه شیعی نیز مسبوق به سابقه بوده و منصوصات روایی و فقهی به فراخور ماهیت جرم ارتكابی و هدف مشخص مجازات در رابطه با آن جرم، اقدام به جعل آن نموده‌اند. قذف، شهادت کذب، قوادی، محاربه، احتیال و مفسد اقتصادی از جمله جرایمی هستند که منابع شرعی اجرای تشهیر را در مورد آنها جایز دانسته و با کیفیات خاصی آن را اعمال نموده است.

با این حال، ممنوعیت خدشه به کرامت فردی و حیثیت انسانی بزهکار به‌عنوان اصل اولی، قانون‌گذار ایرانی را در اوایل انقلاب نسبت به اعمال مجازات تشهیر بی‌میل ساخته و استخدام آن را به مواردی اندک و پراکنده محدود نموده بود.<sup>۲</sup> این روند ادامه

### 1. Shaming Punishment, Humiliating Punishment

۲. از جمله این موارد می‌توان به مواد ۲ و ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، ماده ۱ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، بند ۵ ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، ماده ۲۷ قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و ... اشاره نمود.

داشت تا اینکه ظهور برخی مفاسد به‌ویژه در عرصه اقتصادی مقنن را بر آن داشت تا برای نخستین بار در سال ۱۳۸۵ و ضمن الحاق تبصره ۳ به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به این مهم بپردازد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شکل منسجم‌تری در قالب مجازات‌های اصلی و تکمیلی به این موضوع اشاره نموده است. ماده ۱۹ این قانون که به درجه‌بندی جرایم تعزیری پرداخته ذیل تعزیر درجه شش و نیز ماده ۲۳ همین قانون از «انتشار حکم محکومیت قطعی» به عنوان مجازات‌هایی اصلی و تکمیلی نام برده‌اند. اما ماده‌ای که به طور مستقل در قانون مجازات اسلامی به این موضوع اختصاص یافته ماده ۳۶ قانون مزبور است که در مورد برخی جرایم و البته با لحاظ شرایطی خاص، تشهیر مجرمان را قابل تجویز دانسته است. نکته قابل توجه در خصوص این ماده آن است که حکم مندرج برای جرایم مذکور در صدر ماده فوق از نظر قانون‌گذار امری اختیاری و از مصادیق مجازات‌های تکمیلی است، در حالی که انتشار حکم جرایم مذکور در تبصره این ماده امری الزامی و از سنخ مجازات‌های اصلی می‌باشد.<sup>۱</sup> در ادامه، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تبصره ۲ ماده ۳۵۳ مجازات تشهیر را مورد توجه قرار داد؛ با این تفاوت که در این ماده، «انتشار جریان رسیدگی» و نه «حکم محکومیت» مورد تصریح مقنن قرار گرفته است.

نکته دیگری که در خصوص مجازات تشهیر لازم به ذکر است توجه به کیفیات و اشکال متنوعی است که این مجازات می‌تواند در قالب آنها نمود و عینیت یابد. در واقع، آنچه در اجرای این مجازات مهم می‌باشد اعلان جرم و معرفی مجرم است تا از این رهگذر اهداف موردنظر حاصل گردد. لذا همان گونه که منابع فقهی اشاره دارند «گرداندن در شهر» یکی از اشکال تاریخی اجرای این مجازات بوده که امروزه با گسترش نقش رسانه‌های جمعی از طریق آنها می‌توان تشهیر را اجرا نمود. به همین جهت، گرچه مقنن به صراحت اشاره‌ای به ذکر عنوان تشهیر نداشته اما این موضوع به معنای عدم استعمال چنین مجازاتی نبوده و ذکر عناوینی همچون «انتشار حکم محکومیت قطعی» و یا «انتشار جریان رسیدگی» توسط قانون‌گذار تعبیر و بیان دیگری از همان مجازات تشهیر است.

بر این اساس اگرچه کیفر تشهیر در قوانین داخلی مورد اشاره قرار گرفته، با این حال، پرسش از مبنای این امر مسأله مهمی است. به عبارتی، با توجه به ضوابط حاکم بر قانون اساسی، زمانی نظام عدالت کیفری می‌تواند به امری رسمیت قانونی

۱. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۸.

ببخشد که دو شرط محقق باشد: اول، مغایرتی با احکام اسلامی و موازین قانون اساسی نداشته باشند (شرط سلبی) و دوم، توجیه مناسبی برای پیش‌بینی آن وجود داشته باشد (شرط ایجابی). با توجه به این دو امر، موضوع نوشتار حاضر تنها به بحث از مبانی این کیفر از منظر فقهی و کیفرشناسی اختصاص یافته و از پرداختن به مفاد قوانین موضوعه خودداری نموده است. بنا بر دو معیار فوق، نوشتار حاضر ابتدا بر مبانی موازین فقهی به امکان‌سنجی تسری این مجازات در خصوص تعزیرات می‌پردازد. در وهله بعد، در صورت اثبات امکان فقهی چنین مجازاتی لازم است به این مسأله پرداخته شود که آیا اساساً اعمال چنین مجازاتی از نظر کیفرشناختی قابل توصیه و تجویز است یا خیر. بدین معنا که تشهیر توانایی تحقق کدامیک از اهداف مجازات را دارا بوده و با چه فرایندی به این مهم دست می‌یابد؟ نوشتار حاضر، پس از بررسی رویکرد فقهی نسبت به تشهیر در حدود و تعزیرات، به بررسی آن می‌پردازد که با توجه به مبانی شرعی حکومت اسلامی، امکان پیش‌بینی تشهیر در قانون به عنوان ضمانت اجرایی در مقابله با جرایم در سایر تعزیرات نیز وجود دارد. همچنین در این رهگذر از اندیشه‌های کیفرشناسی معاصر و رویکردی تطبیقی با قوانین و رویه‌های قضایی سیستم عدالت کیفری ایالات متحده بهره برده و توجیه کیفرشناختی این مجازات را تبیین و وجاهت وجود این نهاد کیفری را با تفکیک میان جرایم و بزه‌کاران مختلف تبیین نموده است.

## ۱. تحلیل فقهی مجازات تشهیر

در علم لغت، واژه تشهیر از ریشه «شهر» و به معنای علنی کردن، اشاعه دادن، رسوا نمودن، بی‌اعتبار کردن و ... وارد شده است.<sup>۱</sup> در اصطلاح فقهی نیز به معنای «معرفی مجرم در انظار عموم جهت رسوایی او» به کار می‌رود.<sup>۲</sup> نکته مهم، کیفیت و چگونگی اجرای تشهیر است. به عبارتی آیا شکل خاصی از تشهیر مورد تصریح متون فقهی قرار گرفته یا امکان اعمال آن به اشکال دیگر نیز وجود دارد.<sup>۳</sup> در پاسخ می‌توان گفت به نظر، آنچه موضوعیت دارد، معرفی مجرم و اعلان عمل مجرمانه اوست که طبعاً متناسب با اقتضای هر عصری متفاوت خواهد بود؛ به طوری که امروزه این امر غالباً از طریق رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد. بدیهی است پیش‌فرض تمامی طرق معرفی محکوم، اجتناب از روش‌های ترذیلی و موهن شخصیت وی می‌باشد.

۱. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۴؛ آذرنوش،

آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشرنی، ۱۳۹۵، ص. ۳۴۵.

۲. طیبی، نجم‌الدین، (۱۴۱۶ه.ق)، النفی و التغریب فی مصادر التشریح الإسلامی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ص. ۱۲۶.

۳. «کیفیه الشہر آن ینادی علیہ فی قبیلته، أو مسجده، أو سوقه و ما أشبه ذلک: طوسی، محمد بن حسن، النہایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، انتشارات دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق، ص. ۶۳۱.

برای بررسی مجازات تشهیر و کیفیت آن می‌بایست بین دو گروه از مجازات‌ها در فقه تفکیک قائل شد و جداگانه بدانها پرداخت. بدین معنا که این مجازات در فقه در مورد پاره‌ای از حدود و تعزیرات ذکر شده است. به همین منظور، نخست مروری بر جایگاه و موارد استفاده تشهیر در منصوصات فقهی اعم از حدود و تعزیرات خواهیم داشت. سپس به حوزه سایر تعزیرات در مفهوم عام، وارد شده و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا مجازات تشهیر منحصر در مصرحات متون فقهی است یا خیر؟ و آیا می‌توان آن را به‌عنوان نوعی جایز از مجازات‌های تحت اختیار حاکم اسلامی در عصر غیبت جاری دانست که آن را در سایر تعزیرات به کار بندد؟

### ۱-۱. تشهیر در منصوصات فقهی (حدود و تعزیرات)

در میان متون فقهی مربوط به حدود و تعزیرات، این مجازات در خصوص برخی جرایم به کار رفته است. بررسی اجمالی این جرایم نشان خواهد داد که آیا اساساً این جرایم دارای ویژگی خاص و مشترکی هستند که مجازات تشهیر در مورد آن‌ها اعمال می‌گردد یا خیر. اگر چنین باشد، آیا می‌توان جرایمی از دیگر تعزیرات را یافت که همان ویژگی مشترک را دارا بوده و بتوان مجازات تشهیر را در مورد آن‌ها اعمال نمود؟

#### ۱-۱-۱. شهادت کذب

یکی از ادله اثبات در امور کیفری شهادت است که ادای کذب آن، یکی از مجاری اصلی اعمال کیفر تشهیر است. در واقع تنها موردی که مطابق نص شرعی، مجازات تشهیر در مورد آن حکم می‌شود مسأله مزبور است. غالب فقها با تعبیر «وجوب» از لزوم تشهیر شاهد دروغین یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup> در باب چرایی توسل به چنین مجازاتی علاوه بر لزوم احقاق حق زیان‌دیده از شهادت کذب، به جلوگیری از ظهور احتمالی چنین شهادتی در آینده استناد شده است. درواقع تشهیر موجب می‌شود تا ضمن تشفی خاطر زیان‌دیده و جبران ضرر آبرویی وی، قضات و نیز توده مردم با شناخت شاهد کاذب، از پذیرش شهادت‌های آتی وی اجتناب کنند. چنین منطقی در عبارات فقهی نیز مشاهده می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. «واجب است شاهد دروغ‌گو را در وطنش و حومه آن تشهیر و معرفی نمایند»: نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۵ ق، ص. ۴۳۲؛ «وجوب تشهیر در مورد شاهد کاذب مستند به ادله معتبر نقلی است»؛ گلپایگانی، سید محمد رضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق، ص. ۲۳۲.

۲. برای مثال، مرحوم نراقی می‌نویسد: «لیجتنب شهادتهم و یرتدع غیرهم»، نراقی، احمد بن محمد مهدی، منبع پیشین، ص. ۴۳۲.

### ۱-۲-۱. قذف

از جمله مجازات‌هایی که در متون فقهی برای جرم قذف برشمرده شده مجازات تشهیر است. البته این مجازات در کنار مجازات اصلی قذف یعنی هشتاد ضربه شلاق قرار داده شده و جنبه تشدید دارد: «مجازات قذف هشتاد ضربه شلاق است ... به‌علاوه مجرم را تشهیر می‌کنند تا از قبول شهادت وی اجتناب گردد»<sup>۱</sup>. همان طور که مشاهده می‌شود علت معرفی مجرم نه خدشه بر حیثیت انسانی او که اندیشیدن تمهیدی جهت مراقبت از حقوق بزه‌دیدگان بالقوه است. به‌واقع، لازمه بازدارندگی از تکرار بزه قذف، معرفی شخص قاذف است تا با اعلان عمومی جرم اولاً زمینه جبران منزلت بزه‌دیده فراهم گردد، ثانیاً امکان تکرار جرم از سوی مجرم سلب یا حداقل تقلیل یابد.

### ۱-۳-۱. قوادی

بی‌شک یکی از اهداف مهم اغلب نظام‌های کیفری تأمین سلامت اخلاقی جامعه است. امری که در نظام‌های حقوقی دینی نمود و جلوه بیشتری دارد. طبعاً جرم انگاری قوادی توسط شارع و مجازات مرتکب آن در همین راستا قابل تشریح است. به‌واقع شخص قواد با ادامه عملکرد خود زمینه فساد اجتماعی را به‌طور فزاینده‌ای گسترش می‌دهد که طبیعی است مجازات علنی وی می‌تواند وی را در معرض کنترل اجتماعی بیشتری قرار داده و آزادی عمل او را محدود نماید. در باب این جرم نیز گرچه مجازات اصلی آن عبارت از است ۷۵ ضربه تازیانه، اما به‌عنوان تشدید بازدارندگی، تراشیدن سر و اعلان جرم درملاءمورد اشاره فقها قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

### ۱-۴-۱. احتیال

احتیال در لغت به معنای نیرنگ، فریبکاری، کلاهبرداری و مراد از آن در متون فقهی، توسل به وسایل متقلبانه برای ربودن مال غیر است که به نوعی همان جرم کلاهبرداری در نصوص جزایی است: «محتال کسی است که مال دیگران را با خدعه و فریب، سندسازی، جعل نوشته و مانند آن تصاحب کند»<sup>۳</sup>. در مورد جرم مذکور که

۱. شهید ثانی، زین‌الدین عاملی، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۸.

۲. «فی القیاده و هو خمس و سبعون جلد و یحلق رأسه و یشهر فی البلد»: ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق، ص. ۴۷۱.

۳. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۴.

مجازات تشهیر برای آن جعل شده، می‌توان چرایی استخدام این کیفر را با لحاظ ماهیت جرم اصیاد نمود. در حقیقت، شخص کلاهبردار در صورت کتمان هویت، به راحتی می‌تواند به تکرار افعال مجرمانه خود مبادرت ورزد. ضمن آنکه کسب اطلاع بزه‌دیدگان به جهت احقاق حق و عودت حقوق از دست‌رفته مستلزم معرفی مرتکب بزهکار کلاهبرداری است. آنچه در تصنیفات فقها آمده مؤید این مدعاست: «محتال که مال دیگران را با حيله و تقلب تصاحب کند در برابر آنچه تلف نموده ملزم به جبران ضرر و پرداخت غرامت است و برای جلوگیری از تکرار چنین جرمی در آینده، عقوبت شده و حاکم شرع به وسیله تشهیر و معرفی، مردم را از او برحذر می‌دارد»<sup>۱</sup>.

### ۱-۱-۵. تدلیس

یکی دیگر از جرایمی که مجازات تشهیر بر آن بار می‌شود «تدلیس» است که در اغلب متون فقهی ذیل جرم احتیال مورد بحث قرار می‌گیرد. واژه تدلیس از نظر لغت‌شناسان برای پوشاندن عیوب چیزی به کار می‌رود<sup>۲</sup> و به معنای دست‌کاری، تحریف، لاپوشانی و امثال آن نیز وارد شده است.<sup>۳</sup> البته لازم به ذکر است تدلیس مفهومی چندوجهی و با کاربردهای چندگانه است که در ابواب مختلف فقهی مانند نکاح، بیع، اجاره و ... کراراً از آن یاد می‌شود، ولی در اکثر موارد در بردارنده همان معنای اولیه است. فارغ از ضمان مدنی و حقوقی که به موجب خیارات فقهی از آنها بحث می‌شود، آنچه در این مقام مطمح نظر است مسئولیت کیفری مدلس می‌باشد. در متون فقهی، مشابه مجازاتی که برای جرم احتیال در نظر گرفته شده برای این جرم نیز پیش‌بینی شده است: «کسی که در معامله اموال و کالا و اجناس، خدعه و تدلیس کند به همان مجازات مرتکب احتیال محکوم می‌شود». ابن حمزه طوسی نیز در کتاب «الوسیله» چنین مجازاتی را برای مدلس ذکر می‌کند: «محتال ... می‌بایست به مجازات یا اقدام تأمینی و تأدیبی، پرداخت غرامت، جبران ضرر و زیان وارده و نیز تشهیر و معرفی در علن محکوم گردد. همچنین شخصی که در اموال و اجناس فریبکاری کرده و عیوب کالا را بپوشاند به همین مجازات محکوم می‌شود»<sup>۴</sup>.

۱. «کسی که با استفاده از خدعه و فریب، اسناد متقلبانه، نوشته‌های کذب، ساختگی و مانند آن کلاهبرداری کند ... جا دارد که حاکم با تشهیر و مجازات چنین فردی از تکرار این‌گونه افعال مجرمانه توسط او در آینده جلوگیری نماید.» مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة (للشیخ المفید)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص. ۸۰۵.
۲. ابن منظور افریقی، جمال الدین ابوالفضل، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق، ص. ۸۶.
۳. میرزایی، نجفعلی، منبع پیشین، ص. ۳۱۹.
۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیله إلی نیل الفضیله، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق، ص. ۴۲۳.



## ۱-۱-۶. محاربه

جرم محاربه در زمره جرایم حدی قرار دارد و یکی از مجازات‌های مصرح آن نفی بلد است. البته این مجازات در عداد سایر کیفرها یعنی قتل، صلب و قطع بر شمرده شده که ترتیبی یا انتخابی بودن آنها محل تأمل بوده است. در مورد این مجازات گرچه به صراحت از واژه تشهیر نام برده نشده یا حداقل کمتر مورد اشاره فقها قرار گرفته، اما کیفیتی که برای اجرای آن وضع شده به نوعی با اعلان و معرفی بزهکار همراه است و این همان نقطه افتراق کیفیت اعمال تبعید در محاربه در قیاس با موارد مشابه است. توضیح آنکه گرچه این مجازات در پاره‌ای جرایم دیگر نیز تصریح گردیده مانند عقوبت مرد دارای همسر دائم که قبل از دخول زنا کند (موضوع ماده ۲۲۹ ق.م.ا)، لکن لزوماً به معنای اجرای تبعید به کیفیت محاربه در سایر موارد نیست. شیخ طوسی ضمن مباحث حدود بیان داشته است: «لازم است به تبعیدگاه مجرم (مرتکب محاربه) ابلاغیه‌ای صورت گیرد مبنی بر اینکه این شخص، محارب و مجازات وی تبعید بوده است. لذا لازم است از هرگونه رفت و آمد، خرید و فروش و مجالست با وی اجتناب گردد.»<sup>۱</sup> البته تعیین چنین کیفیتی متکی به ادله روایی معتبر است و قانون‌گذار نیز در ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی چنین رویکردی را اتخاذ نموده است.<sup>۲</sup> جرم محاربه از جمله جرایم جرایم مهمی است که ارتباط مستقیمی با نظم و امنیت اجتماعی دارد و هرگونه سهل‌انگاری در برخورد یا پیشگیری از آن مخل این مهم خواهد بود. به همین جهت شارع با اتخاذ تدابیر شدید کیفری مانند نفی بلد و تشهیر ضمنی وی در محل مورد تبعید، درصدد ایجاد مانع در برابر ارتکاب مجدد آن و تقویت کنترل اجتماعی و امنیتی بیشتر بر این فرد برآمده است.

## ۱-۱-۷. مفاسد اقتصادی

طبیعتاً ذیل مفهوم مفاسد اقتصادی، جرایم متعددی قابل تعریف است که از جمله آن‌ها می‌توان به اختلاس، ارتشاء، قاچاق کالا و ارز، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، جرایم مالیاتی و ... اشاره نمود. برخی از این جرایم، مورد بحث و بررسی کتب فقهی بوده و برخی دیگر نیز سابقه فقهی نداشته است. مهم‌ترین سندی که مجازات تشهیر را در خصوص این دسته از بزه‌کاران جعل می‌نماید، روایتی است که از شیوه برخورد امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان حاکم جامعه با یکی از کارگزاران دولتی خویش حکایت

۱. طوسی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۶۸۸.

۲. ماده ۲۸۵ ق.م.ا: «در نفی بلد محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد.»

دارد؛ هنگامی که امیرالمؤمنین از خیانت ناظر مالی بازار اهواز که ابن هرمه نام داشت باخبر گشت، طی نامه‌ای به رفاعه حاکم اهواز نوشت: «هرگاه نامه مرا خواندی ابن هرمه را از کار برکنار کن و او را به مردم معرفی و در برابر آنان رسوا کن و او را به زندان بیفکن... با فرارسیدن روز جمعه او را از زندان درآورده، ۳۵ تازیانه به او بزن و او را در بازار بگردان»<sup>۱</sup>. در اینجا نیز گرچه از واژه تشهیر نام برده نشده اما کیفیت عمل به‌گونه‌ای است که معرفی مجرم در مرئی و منظر عموم مردم مورد دستور واقع شده است. علت جعل مجازات تشهیر برای بزهکاران اقتصادی، ارتباط آن با شخصیت‌شناسی مجرمین مفسد اقتصادی و درنهایت تأثیر آن در تحقق اهداف مجازات در سیستم عدالت کیفری است که به صورت تفصیلی در بحث مبانی کیفرشناختی مجازات تشهیر عنوان خواهد شد.

### ۱-۲. امکان سنجی فقهی اعمال تشهیر در سایر جرایم

آنچه مورد اشاره قرار گرفت دسته‌ای از جرایم حدی یا تعزیری بود که در منابع فقهی برای آن‌ها مجازات تشهیر در نظر گرفته شده است. در رابطه با سایر حدود و تعزیرات این پرسش باقی است که آیا چنین مجازاتی فقط در موارد مصرح قابلیت اعمال دارد یا اینکه تعمیم آن به سایر جرایم نیز امکان‌پذیر خواهد بود. پاسخ به این سؤال با بررسی ادله فقهی و اثبات حصری یا تمثیلی بودن جرایم مستوجب این مجازات صورت می‌پذیرد که در بند پیش رو مورد بحث قرار خواهد گرفت.

هر حکومتی محدود به اختیارات مذکور در قانون اساسی بوده و علی‌الاصول نمی‌تواند مخالف آن عمل نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز از عموم قاعده فوق مستثنا نیست. یکی از ضوابط مذکور در تقنین که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است عدم مغایرت مصوبات با موازین اسلام (اصل نود و چهارم)، احکام اسلام (اصل نود و ششم) و موازین شرع (اصل یکصد و دوازدهم) می‌باشد. لذا، نخستین مسئله‌ای که قابل بررسی می‌باشد آن است که آیا پیش‌بینی تشهیر در تعزیرات مغایرتی با موازین و احکام شرع دارد؟

به نظر می‌رسد در مورد تعزیرات غیرمنصوص محظور و ردع فقهی وجود نداشته و حاکم اسلامی در عصر غیبت می‌تواند از آن استفاده نماید. این گزاره مبتنی بر دو دلیل عمده قابل اثبات است؛ نخست قواعد عمومی جعل و اعمال تعزیر و دوم، سابقه فقهی استخدام و تعمیم تعزیر در سایر مجازات‌ها اعم از حدی و تعزیری.

۱. «و عن علی علیه‌السلام انه استدرک علی ابن‌هرمه خیانه و ... فکتب الی رفاعه فإذا قرأت کتابی هذا فنج ابن‌هرمه عن السوق و اوقفه للناس و اسجنه و ناد علیه ... فاذا کان یوم الجمعة ... طف به الاسواق»: تمیمی، ابن‌حیون، دعائم الاسلام، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۳، جلد ۲، ص. ۵۳۲.

## ۱-۲-۱. قواعد عمومی جعل و اعمال تعزیر

قواعد عمومی تعزیرات دو اصل بنیادین را دربر می‌گیرد. نخست اینکه، کیفیت اجرای آن بر عهده حاکم است. به عبارتی این مهم بر عهده حاکم اسلامی گذاشته شده است تا با لحاظ مقتضیات و الزامات زمانی و مکانی، چگونگی تعریف و اجرای تعزیر را بر اساس اقتضائات مربوطه تنظیم نماید.

دومین قاعده مربوط به شدت مجازات‌های تعزیری است که آن هم در حدود اختیار حاکم قرار گرفته و تنها مقید به تخفیف آن نسبت به حدود شده است. مجلسی در تأیید آن می‌نویسد: «التعزیر هو تأدیب دون الحد»<sup>۱</sup>. محقق حلی نیز در کتاب شرائع الاسلام می‌فرماید: «هر کس حرامی از محرمات را انجام یا واجبی از واجبات را ترک کند، بر حاکم لازم است که او را به میزانی کمتر از حد تعزیر نماید»<sup>۲</sup>.

با لحاظ قواعد عمومی فوق، ظاهراً می‌توان تشهیر را در عداد کیفرهای تعزیری قرار داد و استخدام آن را به غیر موارد مصرح تعمیم داد. چراکه اولاً و اساساً اعمال تعزیر و نوع مجازات کاملاً در دایره بسط ید حاکم قرار دارد و ثانیاً از حیث شدت، تشهیر دون حد بوده و بنابراین قید مذکور در قاعده دوم نیز رعایت شده است.

## ۱-۲-۲. سابقه فقهی استخدام تشهیر

دلیل دومی که امکان اعمال مجازات تشهیر در تعزیرات را اثبات می‌نماید، رویکرد اتخاذی توسط برخی فقها است که با لحاظ هدف کیفر و ماهیت جرم ارتكابی، حکم تشهیر را در موارد غیرمصرح اصطیاد نموده و آن را به سایر جرایم تعمیم داده‌اند. همچنان که پیش از این اشاره شد، جرمی که ادله شرعی روایی به طور صریح کیفر تشهیر را برای آن منظور داشته، شهادت کذب است. در رابطه با سایر جرایم مانند قذف، قوادی، احتیال، تدلیس و ... فقهای عظام با تمسک به ادله اجتهادی و هدفی که از اعمال مجازات مدنظر داشتند، حکم به تشهیر داده‌اند.

مرحوم گلپایگانی چنین بیان داشته: «در باب مجازات قاذف، می‌توان حکم به تشهیر و شناساندن وی به مردم نمود؛ این در حالی است که درباره حکم مذکور نص شرعی خاصی وجود ندارد و این نص تنها در مورد تشهیر شاهد دروغ‌گو ذکر شده است؛ در روایتی موثق، سماعه نقل کرده که از امام (صادق علیه‌السلام) در مورد مجازات

۱. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد ۱۰، قم، موسسه فرهنگی اسلامی

کوشانیور، بی‌تا، ص. ۳.

۲. حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، قم، نشر

اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، ص. ۱۵۵.

شاهد دروغ‌گو سؤال کردم. «امام فرمود: به کیفیتی که حاکم جامعه تشخیص دهد شلاق زده می‌شود و او را چرخانده تا عامه مردم وی را بشناسند». بنابراین به سبب وجود علت مشترک در جرم شهادت کذب و برخی جرایم دیگر و قابلیت تعمیم آن بر اساس تنقیح مناط، در بزه قذف نیز می‌توان قائل به تشهیر بود تا عموم مردم قاذف را شناخته و به سخنانی از او که موجبات رسوایی و خذلان دیگران را فراهم کند، اعتنایی نکنند»<sup>۱</sup>.

همچنین علامه حلی در تأیید این دیدگاه می‌نویسد: «محتالی که مال دیگران را با خدعه و فریب، سندسازی، جعل نوشته، گواهی کذب و مانند آن تصاحب کند به حسب تشخیص حاکم جامعه تعزیر و مجازات می‌شود و در برابر آنچه از این راه به دست آورده غرامت پرداخته و تشهیر می‌شود»<sup>۲</sup>.

از نظر فقها، در تعزیرات این هدف مجازات است که تعیین می‌کند حاکم اسلامی چه کیفی را و با چه کیفیاتی استفاده نماید تا هدف مورد نظر محقق گردد. پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، بازدارندگی، اصلاح و درمان و ... اهدافی هستند که اگر تشهیر از قابلیت بالاتری برای تحقق آن‌ها برخوردار باشد، می‌تواند مورد حکم شارع قرار گیرد. «به‌کارگیری مجازات و اقدام تأدیبی، دریافت غرامت و جبران ضرر و زیان و یا تشهیر و معرفی مجرم با این هدف صورت می‌گیرد که از تکرار چنان فعل مجرمانه‌ای در آینده جلوگیری به عمل آید»<sup>۳</sup>. «لازم است امام (معصوم) و نایبانش باهدف از بین بردن هیمنه خلافکاران و اشرار و نیز تأمین نظم و امنیت اجتماعی بنا به تشخیص خود، آنان را مجازات و تأدیب کنند. این‌گونه اقدام تأمینی یا مجازات اعم از اینکه حبس تعزیری، شلاق، تبعید، تشهیر یا امثال آن باشد لازم است همراه با تأذی و ندامت روحی بزهکار و در جهت تربیت و استحکام اخلاقی وی صورت پذیرد»<sup>۴</sup>.

## ۲. تحلیل مبانی کیفرشناختی مجازات تشهیر

بررسی کیفرشناسانه ضمانت اجرای تشهیر از آن روی اهمیت دارد که صرف عدم مغایرت با موازین فقهی برای قانون‌گذاری کفایت نمی‌کند. به عبارتی دولت باید بتواند با توسل به دلایلی توجیه نماید که این کیفر از دیدگاه نظری یا عملی موجه بوده و

۱. گلپایگانی، سید محمدرضا، منبع پیشین، ص. ۲۲۲.

۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد ۲، قم، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۴.

۳. طوسی، محمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۷۲۲.

۴. طبسی، نجم‌الدین، منبع پیشین، ص. ۳۲۱.

اهداف مشخصی از سیستم عدالت کیفری را محقق می‌سازد. لذا، در صورتی که دلایل کیفرشناسانه - و البته الزامات اخلاقی و ساختاری جامعه - این کیفر را توجیه نمایند، شرط دوم کیفرگذاری نیز محقق خواهد شد.<sup>۱</sup>

تبارشناسی تاریخی نشان می‌دهد که اهدافی چون سزاگرایی، بازدارندگی، بازپروری، اصلاح و درمان، تعذیب مجرم، تشفی خاطر بزه‌دیده، پیشگیری، موازنه عدالت جمعی، تعلیم اخلاقی و ناتوان‌سازی فرد بزه‌کار هرکدام در چرخش‌هایی پارادایمی به عنوان هدف اصلی مجازات انتخاب شده و در جغرافیای حقوقی مشخصی استقرار یافته‌اند. هرچند این اهداف در تشتت‌هایی مستمر قرار داشته‌اند، اما بازدارندگی به‌عنوان شاخص‌ترین هدف مجازات در سرتاسر تاریخ تحولات حقوق کیفری وجود داشته است. منحنی تحولات کیفرگذاری سیستم‌های عدالت کیفری نشان می‌دهد که تلاش مکاتب مختلف کیفرشناسی در طول تاریخ مبتنی بر استقرار و استخدام مجازات‌هایی بوده که بیشترین بازدارندگی را ایجاد ساخته و از ارتکاب مجدد آن جرم توسط خود مجرم یا مجرمان بالقوه دیگر پیشگیری نمایند. در همین رابطه بکاریا می‌نویسد: «هدف مجازات چیزی نیست جز بازداشتن دیگران از ارتکاب بزه مشابه. بنابراین مجازات‌ها و شیوه‌های اجرایشان باید به نحوی گزینش شود که قوی‌ترین و ماندگارترین انطباعات را بر اذهان دیگران و حداقل رنج را بر اندام بزه‌کار باقی گذارد».<sup>۲</sup> یکی از انواع مجازات‌های مؤثر در این زمینه تشهیر است. امروزه این مجازات متناسب با مقتضیات و فرهنگ حقوقی هرکدام از سیستم‌های عدالت کیفری متحول شده و با کیفیتی متفاوت به اجرا گذارده می‌شود. انتشار اسامی بزه‌کاران اقتصادی، انتشار تصاویر محکومان جرایم جنسی (مانند قانون فدرال مگان<sup>۳</sup> در ایالات متحده)، الزام به عذرخواهی رسمی، تحقیر در مقابل عموم مردم<sup>۴</sup> و انتشار حکم محکومیت در

۱. ممکن است این شبهه مطرح شود که آیا گزاره فوق در نهایت به کارکردگرایی محض ختم شده و صرف تحقق اهداف طراحی شده برای اعمال مجازات موجبی موجه برای پذیرش تشهیر خواهد بود؟ در پاسخ به این شبهه ذکر چند مورد قابل توجه خواهد بود. اول آنکه گزاره فوق نه به معنای محوریت رویکردهای کارکردگرایانه است و نه اشعاری بر پذیرش دیدگاه‌های هربرت اسپنسر، کن و دورکیم در رابطه با کارکردگرایی دارد. ثانیاً آنچه بیان شده صرفاً تأملی در کارکردهای متصور برای تشهیر است. در واقع مقاله در بخش تحلیل کیفرشناختی، نخست سعی دارد نشان دهد که تشهیر می‌تواند سیستم عدالت کیفری را در راه رسیدن به برخی از اهداف کلانش در حوزه اخطار عمومی، بازدارندگی عام، پیشگیری از ارتکاب جرایم، جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی و در نهایت اعاده حیثیت بزه‌دیده یاری دهد. در گام دوم نیز اجماً به این مهم پرداخته است که تجویز تشهیر می‌بایست با لحاظ الزامات انسانی و اخلاقی صورت گرفته و در خصوص مجرمانی خاص و جرایم خاص به کار برده شود.

۲. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص. ۳۴.

3. Megan's Law

4. Public humiliation

جراید و رسانه‌های جمعی<sup>۱</sup>، تجلیات کیفری مختلفی<sup>۲</sup> است که همگی در ذیل مجازات تشهیر قرار گرفته و در قوانین جزایی کشورهای متعددی منعکس شده‌اند. مبتنی بر منطق و مبانی کیفرشناختی، این مجازات - با رعایت استانداردهای اجرایی و اخلاقی لازم - می‌تواند موجبات تحقق برخی از اهداف مجازات را در خصوص جرایم خاصی فراهم سازد. اهدافی چون بازدارندگی، پیشگیری، اعاده حیثیت، جبران خسارت وارده، جلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم قضایی و استقرار امنیت اجتماعی، تنها برخی از مهم‌ترین اهداف مذکور می‌باشد که تلاش می‌شود تا کیفیت و برخی نمونه‌های تطبیقی اجرای آن به شرح زیر مورد اشاره قرار گیرد.

## ۲-۱. اخطار عمومی و کنترل اجتماعی بزهکار

یکی از مهم‌ترین اهدافی که با معرفی و قرار دادن بزهکار محکوم در مرئی و منظر عموم مردم حاصل می‌شود، افزایش کنترل اجتماعی مردم، خنثی‌سازی زمینه ارتکاب جرم و توجه سیستم‌های کنترلی دولت بر فرد است تا مجدداً مرتکب چنین جرمی نشود. این مهم گاه با سلب زمینه‌های محیطی لازم برای ارتکاب جرم محقق می‌گردد. به‌عنوان نمونه؛ در اوایل دهه ۱۹۹۰، سوءاستفاده جنسی از کودکان و خشونت جنسی علیه بزرگسالان در آمریکا شدت گرفت و موجب شد تا حرکت‌های مردمی چون جنبش حمایت از کودکان ایالات متحده و جنبش عدم تسامح با مجرمان جنسی ایجاد گردد. این نهضت‌های مردمی با گردآوری اطلاعات قابل اعتماد در خصوص آزارگران جنسی و نقاط ضعف قوانین حفاظت‌کننده در مقابل تجاوز جنسی، توانست در اواخر دهه ۱۹۹۰ اعتراضات موجود و مطالبه عمومی برای عدم تسامح و تشهیر بزهکاران جنسی را به یک نهضت سراسری تبدیل نماید. گستره مطالبات مردمی سبب شد تا بسیاری از ایالت‌ها در آمریکا، مقرراتی تصویب کردند که ضمن تشهیر و معرفی مجرمان جنسی به عموم مردم، آن‌ها را ملزم می‌ساخت تا اسم خود را نزد مأموران اجرای قانون یا دفاتر ثبت مرکزی ثبت نمایند. مشهورترین قانون اخطار عمومی و ثبت‌نام محکومان جرایم جنسی و اعلام آن به توده مردم، قانون (فدرال) مگان<sup>۳</sup> می‌باشد.<sup>۴</sup> این قانون از نام

۱. مجتهدی، محمدحسین، منطق تحول اهداف مجازات و تحلیل سیاستگذاری‌های کیفری معاصر در غرب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۵-۱۵۲.

۲. معادل مفهومی مجازات تشهیر در سیستم‌های قضایی دیگر را می‌توان با کلیدواژه‌های ذیل جستجو کرد:

Shaming Punishment, Humiliating Punishment, Public Humiliation.

3. Megan's Law

۴. این قانون یکی از زیرمجموعه‌های قانون Jacob Wetterling Crimes Against Children and Sexually Violent Offender Registration Act of 1994 می‌باشد.

دختر بچه هفت ساله‌ای به اسم مگان کانکا<sup>۱</sup> اقتباس شده است که توسط همسایه خود جاکوب وترلینگ<sup>۲</sup> مورد تجاوز جنسی و سپس قتل واقع شد. مادر مگان در دادگاه این‌گونه استدلال کرد که اگر وی می‌دانست که یک مجرم جنسی در همسایگی‌اش زندگی می‌کند و دولت با تشهیر مجرم سابقه‌دار، مشخصات وی را به او اعلام می‌نمود، اقدامات احتیاطی بیشتری را اتخاذ می‌کرد و می‌توانست مانع از تجاوز جنسی و مرگ دخترش بشود. سخنان مادر مگان و احساساتی که از آن القا می‌شد به سرعت تبدیل به تیتر اول روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های شهر شده و موجی از اعتراضات و مطالبات مردمی را برانگیخت. بدین ترتیب تنها در ظرف یک ماه از مرگ مگان، قانون‌گذاران نیوجرسی، قانون مربوط به اخطار و ثبت‌نام محکومان جنسی را تصویب کردند. قوانین مربوط به اخطار عمومی نوعاً مجرمان محکوم‌شده به جنایت جنسی را ملزم می‌کند تا برای یک دوره ۱۰ ساله، آدرس محل زندگی خود و سایر اطلاعاتی که قانون مشخص کرده است را در یک مرکز خصوصی اطلاع‌رسانی ثبت نمایند. ضمناً این مدت برای متجاوزان به عنف تا پایان عمر می‌باشد.<sup>۳</sup>

در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، ۳۲ ایالت، قوانین مربوط به آگاه‌سازی عمومی را تصویب کردند که اطلاعات مجرمان جنسی را از طریق انتشار به‌وسیله مقامات قضایی اجرای حکم به اطلاع اهالی منطقه‌ای که مجرم در آن سکونت دارد، می‌رسانند. همچنین این اطلاعات می‌تواند به درخواست شخص ثالث نیز در دسترس عموم قرار گیرد. بیش از نیمی از ایالت‌ها وبسایتی ایجاد کرده‌اند که به مردم این اجازه را می‌دهد تا اطلاعات مربوط به محل اقامت مجرمان جنسی در شهر خود را به دست آورند. به‌علاوه، این سامانه امکان دسترسی به عکس مجرمین جنسی به همراه اطلاعاتی در خصوص جرمی که بدان محکوم شده‌اند را نیز فراهم می‌سازد.<sup>۴</sup> گاه چنین رویکردی با دیدگاه‌های افراطی‌تر قضاوت آمیخته شده و احکامی بسیار نادر را در خصوص اخطار عمومی ایجاد کرده است. برای مثال یک قاضی در ایالت تگزاس، دستور داد تا تابلویی در حیاط خانه یک محکوم به ارتکاب جرم جنسی نصب شود و روی آن عبارت «خطر! مجرم جنسی محکوم‌شده‌ای در اینجا ساکن است» درج گردد. همچنین برچسب مشابهی با عبارت «خطر! مجرم جنسی ثبت‌شده» نیز می‌بایست بر روی ماشین این فرد چسبانده شود. یا در حکم دیگری در سال ۱۹۹۷، قاضی ایالت ایلینویز در خصوص

1. Megan Kankan
2. Jacob Wetterling

۳. مجتهدی، محمدحسین، منبع پیشین، صص. ۱۵۴-۱۵۳.

4. Wright, Richard, Sex Offender Laws, Second Edition: Failed Policies, New Directions, New York, Springer Publishing Company, 2015, pp. 50-69.

جوان ۲۶ ساله‌ای که مرتکب جرم تهاجم همراه با خشونت شده بود، با استناد به مزیت اخطار عمومی به واسطه تشهیر، چنین حکم داد که «می‌بایست در ورودی تمامی اموال غیرمنقولی که مجرم در آن سکونت دارد تابلویی با مشخصات زیر نصب شود: عبارت «هشدار!! بزهکار جرایم همراه با خشونت در اینجا زندگی می‌کند! با مسئولیت خود وارد شوید»<sup>۱</sup>.

بنابراین یکی از مرجحات استخدام این نوع از مجازات‌ها اخطار عمومی به مردم است تا با اجتناب از فرد بزهکار و منتفی ساختن زمینه‌های ارتکاب جرم، احتمال ظهور چنین بزه‌ی از سوی مجرم را کاهش دهند. همچنین ثبت و اعلام پیوسته مشخصات فردی مجرم در سامانه‌های دولتی موجب توجه نهادهای دولتی و امنیتی به‌سوی بزهکار شده و ضمن مراقبت دائمی و بیشتر از او، میزان هزینه ارتکاب جرم برای مجرم را بالا می‌برند. چنین رویکردی را می‌توان در نصوص فقهی مربوط به تشهیر نیز مشاهده کرد. در حقیقت، تشهیر قواد در محل تبعید به نوعی هم اخطار عمومی برای ساکنان محسوب می‌شود و هم دربردارنده مراقبت مقامات محلی برای نظارت بیشتر بر فرد بزهکار.

## ۲-۲. بازدارندگی عمومی

بازدارندگی نهان در کیفر تشهیر بیشتر مبتنی بر نظریه شرمساری و به تبع آن خودکنترلی است که در ساحت بازدارندگی عام نمود می‌یابد. برخی نویسندگان<sup>۲</sup> معتقدند «مردم خود را با قوانین تطابق می‌دهند، لکن اغلب نه به این دلیل که از مجازات واهمه دارند، بلکه رفتارهای مجرمانه از نظر آن‌ها شنیع و زشت می‌باشد ...»<sup>۳</sup>. حال اگر سیستم عدالت کیفری بتواند با مجازات‌های اعمالی خویش و نشان دادن نتیجه منطقی رفتار مجرمانه که همان مجازات باشد، این حس شناخت و قباحت رفتار مجرمانه را بیشینه سازد، میزان ارتکاب جرم نیز کاهش خواهد یافت. در همین راستا، تشهیر یکی از مؤثرترین مجازات‌هایی است که عواطف انسانی را درگیر ساخته و شنیع بودن رفتار مجرمانه و مجازات جرم را بیشینه می‌سازد. آرون بوک<sup>۴</sup> در تأیید چنین دیدگاهی می‌نگارد: «گسترش تمایلات ضد جرم در میان توده مردم از نمایش شرمساری‌هایی است که در اوایل زندگی، آن را مشاهده کرده‌اند.»<sup>۵</sup> معرفی بزهکار در

1. Cromwell, P. F.; Del Carmen, R. V., Community-based corrections, Belmont, CA: West/Wadsworth, 1999, p. 47.
2. John Braithwaite
3. McLaughlin, E.; Muncie, J.; Hughes, G. (Eds.), Criminological Perspectives: Essential Readings, Sage, 2003, p. 416.
4. Aaron S. Book
5. Book, A. S., "Shame on you: An analysis of Modern Shame Punishment as an Alternative to Incarceration", Wm. & Mary Law Review, vol. 40, 1999, p. 675.



انظار عمومی و تشهیر وی مطابق با یک الگوی ترکیبی مبتنی بر نظریه شرمساری و خودکنترلی باعث بازدارندگی عمومی خواهد شد. در توجیه این مهم حقوق دانان و نویسندگان غربی متوسل به پاره‌ای دلایل شده‌اند.<sup>۱</sup> از نگاه برخی، تشهیر باعث تغییر سطح برداشت اجتماعی مخاطب و درگیری احساسی وی شده و سبب می‌شود تا او تجربه شرمساری محکوم را به وضوح لمس نماید. این غلبه احساسی گاه، آن قدر شدید است که موجب می‌شود مخاطب ضمن احساس دلهره و ترس از اعمال چنین کیفری، روی به سیستم خود مجازاتی و خودکنترلی آورد تا مبادا در آینده چنین جرمی را مرتکب شود یا به چنین مجازاتی محکوم گردد.<sup>۲</sup>

استخدام تشهیر با هدف فوق را می‌توان در قوانین و رویه قضایی کشورهای مختلفی مانند آمریکا و راجع به جرایم متعددی خصوصاً جرایم منافی عفت، مفاسد اقتصادی و جرایم شرکت‌ها علیه محیط‌زیست مشاهده کرد. برای مثال یکی از قضات ایالات متحده در خصوص مردی که به اغوای زنان روسپی اشتغال داشت، چنین حکم داد که مشخصات وی در تمامی جرایم و بیلبوردها منتشر گردد. در دعوی دولت ایالات متحده علیه کونن<sup>۳</sup> که متهم به انتشار و تولید هرزه‌نگاری اطفال شده بود، قاضی حکم داد تا مشخصات و محکومیت وی در تمامی جرایم به چاپ رسد. در ایالات فلوریدا، زنی که اقدام به خرید مواد مخدر در مقابل دزدان فرزندان خردسالش نموده بود، محکوم به انتشار گزارش ارتکاب جرم در جرایم محلی شد.<sup>۴</sup> همچنین در یک پرونده دیگر، قاضی زنی را محکوم کرد که پیوسته علامتی را همراه داشته باشد که روی آن نوشته شده است؛ «من محکوم به تجاوز به عنف به اطفال هستم».<sup>۵</sup>

در خصوص جرایم اقتصادی نیز مجازات تشهیر به مثابه یکی از کارآمدترین ابزارهای پیشگیری، بازدارندگی و خنثی‌سازی زمینه‌های جرم بدل شده است. چرا که اولاً مجرمان اقتصادی برای ارتکاب جرایم یقه‌سفیدی نیاز به اعتماد عمومی داشته و اگر با تشهیر این اعتماد عمومی را از دست بدهند، دیگر نمی‌توانند مرتکب جرم کلاهبرداری و امثال آن بشوند. ثانیاً، یقه‌سفیدها معمولاً از شأن و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده و تشهیر به‌عنوان یک مجازات افشاکننده، می‌تواند بالاترین میزان

1. Braithwaite, J., *Crime, Shame and Reintegration*, Cambridge University Press, 1989, pp. 71-82.
2. Book, A. S, op. cit., pp. 675-677.
3. *United States v. Coonan*, 135 F.3d 938 (5th Cir. 1998)
4. Andrix, J., "Negotiated Shame: An Inquiry into the Efficacy of Settlement in Imposing Publicity Sanctions on Corporations", *Cardozo Law Review*, vol. 28, 2007, p. 1857.
5. Marguiles, J., "Deviance, Risk, and Law: Reflections on the Demand for the Preventive Detention of Suspected Terrorists", *Journal of Criminal Law and Criminology*, vol. 101, 2011, p. 201.

شرمساری را برای خود آنها و بازدارندگی را برای افراد طبقه آنها در پی داشته باشد. در تأیید این دیدگاه، پروفیسور کاهان بر این باور است که اجرای سیستم مجازات تشهیر در مورد جرایم یقه‌سفیدها، نه تنها در میزان بازدارندگی با مجازات زندان برابری می‌کند، بلکه هزینه‌های اجتماعی اجرای این کیفر بسیار پایین‌تر از زندان است.<sup>۱</sup> بر همین اساس نظام دستورالعمل‌های صدور حکم در ایالات متحده<sup>۲</sup> این اختیار را به قضات تفویض داشته است که با استفاده از رسانه‌های جمعی و جراید محلی، در خصوص جرایم شرکتی و اقتصادی اقدام به صدور مجازات‌هایی نمایند که ماهیت نمایش عمومی و تشهیر در آنها وجود دارد.<sup>۳</sup> همچنین ایلهونگ یان<sup>۴</sup> در پژوهشی با عنوان «چرا نرخ ارتکاب جرم در آسیای شرقی پایین است؟... فراتر از شرمساری» ضمن تحلیل و ارزیابی تأثیر ساختارهای اقتصادی و فرهنگی کشور ژاپن در کاهش نرخ ارتکاب جرایم خصوصاً جرایم اقتصادی، مجازات تشهیر را به‌عنوان یکی از ابزارهای کیفری موجود برای مجازات این نوع از مجرمین معرفی و تحسین می‌نماید. نمونه آن، الزام بزهکار اقتصادی به عذرخواهی رسمی از تمامی مردم در جراید و رسانه‌های جمعی است که با توجه به کارآمدی نظریات شرمساری در ساختار فرهنگی ژاپن، کیفری اثرگذار تلقی می‌گردد.<sup>۵</sup>

بدیهی است شرط لازم برای تحقق بازدارندگی ناشی از تشهیر آن است که ساختارها و هنجارهای مربوط به منزلت اجتماعی و آبروی فردی در یک جامعه در حد استانداردی باقی مانده باشد و شرمساری تجربه تلخی محسوب شود. همچنین پروسه مذکور، در خصوص افرادی از جامعه محقق می‌گردد که از منزلت و شأن اجتماعی مقبولی برخوردار بوده و یا حداقل شاخص اعتبار اجتماعی در میان آنان مهم تلقی شود.

## ۲-۳. جلب اعتماد عمومی

پروفیسور دن کاهان<sup>۶</sup> بر این باور است که «مجازات تشهیر با لحاظ معادله هزینه - فایده یک مجازات بالقوه مؤثر است و از حیث سیاسی، کیفری است با مقبولیت

- Owens, J. B., "Have We No Shame: Thoughts on Shaming, White Collar Criminals, and the Federal Sentencing Guidelines", AU Law Review, vol. 49, 1999, p. 1051.
- Sentencing Guidelines Manual 8D1.4(a) (2005) (Recommended Conditions of Probation—Organizations (Policy Statement))
- Kahan, D. M.; Posner, E. A., "Shaming White-collar Criminals: A Proposal for Reform of the Federal Sentencing Guidelines", The Journal of Law and Economics, vol. 42, 1999, pp. 368-372.
- IL Hong Yun
- Yun, IL Hong, "Why Low Crime Rate in East Asia? Confucianism: Beyond Reintegrative Shaming", Paper Presented at the Annual Meeting of the American Society of Criminology, Royal York, Toronto, Nov 15, 2005, pp. 4-15.
- Dan Kahan

بسیار بالا در میان توده مردم که در نهایت موفقیت‌های بیشتری را برای سیستم عدالت کیفری رقم می‌زند. آنچه مردم از دستگاهی قضایی می‌خواهند چیزی فراتر از مجازات کیفری است ... آنها خواستار صدور یک پیام هستند ... آنها محکومیت اخلاقی بزهکار را مطالبه می‌نمایند ...<sup>۱</sup> از سوی دیگر در مورد اجرای انواع مجازات‌ها (مانند زندان یا جزای نقدی) همیشه این تردید در میان مردم وجود داشته است که مثلاً مجازات زندان در خصوص مجرمین یقه‌سفید اجرا نمی‌شود یا وضعیت محیطی زندان برای آنان بسیار مطلوب بوده و متحمل رنجی نمی‌شوند. لکن مجازات تشهیر به واسط ماهیت عمومی و مشهودی که دارد باعث می‌شود تا اولاً توده مردم، کیفر را نتیجه منطقی و بالاترید ارتکاب جرم تلقی کنند، ثانیاً دستگاه قضایی را قدرت مستقل و بااقتداری بدانند که در اجرای عدالت کوتاهی نمی‌کند و از این رهگذر به سیستم قضایی اعتماد کنند و ثالثاً محکومیت اخلاقی بزهکاران را در بالاترین سطح ظهور اجتماعی لمس نمایند که خود موجب تشفی خاطر جامعه و آسیب‌دیده از جرم خواهد بود.

#### ۲-۴. اعاده حیثیت

گاه ارتکاب جرم از سوی فرد موجب خدشه‌دار شدن حیثیت، آبرو و جایگاه اجتماعی بزه‌دیده می‌گردد که جبران آن امری به غایت دشوار است. جرم‌های قذف، شهادت کذب، افترا نسبت به مقامات سیاسی و توهین نمونه‌های بارزی از این دست جرایم می‌باشد. هرچند مجازات‌هایی چون زندان و مجازات‌های بدنی مانند شلاق می‌توانند موجبات تسلی و تشفی خاطر بزه‌دیده را فراهم سازند، با این وجود، این اجرای مجازات تشهیر است که قابلیت ترمیم حیثیت قربانی جرم را داراست. فرد قاذف با نسبت دادن زنا یا لواط به فرد دیگری موجب می‌شود تا اذهان عمومی نسبت به آن فرد موضع گرفته و تداعی میان او و رفتارهای منافی عفت ایجاد شود. بر همین اساس، تشهیر قاذف در فقه شیعی متصف به قید الزام شده است تا این ذهنیت را از بین برده و یا حداقل کمرنگ سازد.

#### ۲-۵. کرامت انسانی و الزامات اجرایی آن در حقوق ایران

به نظر می‌آید تبیین مختصر الزامات و مقتضیات اجرایی مجازات تشهیر با لحاظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی در نظام حقوقی ایران امری ضروری است. در معنایی صریح‌تر لازم است تا شبهه تعارض این مجازات با کرامت انسانی و هدف اصلاح و بازپروری مجرم مورد بررسی قرار گرفته و راهبرد صحیح اعمال این مجازات در نظام عدالت کیفری ایران ارائه شود.

1. Book, A. S., Op. cit., p. 654.

نکته اول در رفع این تعارض آن است که تشهیر، بر خلاف سایر مجازات‌های اصلی مانند حبس و جزای نقدی که کیفرهایی عمومی تلقی می‌شوند، مجازاتی است با ویژگی‌های خاصی که می‌بایست تنها در رابطه با مجرمان و جرایم خاصی اعمال می‌گردد. بر همین اساس لازم است قبل از تجویز آن توسط قانون‌گذار یا قاضی، به مختصات ویژه جرم ارتكابی، سیاست نظام کیفری در مقابله با آن جرم و در نهایت شرایط اجتماعی مجرم توجه گردد. به عنوان نمونه تشهیر به هیچ روی در خصوص جرایم منافی عفت نباید اعمال گردد. چرا که اولاً سیاست جنایی اسلام در خصوص جرایم مبتنی بر بزه‌پوشی و اغماض است و ثانیاً حفظ آبرو و احترام بزه‌دیده این جرایم از اولویت بالاتری برخوردار است. در مقابل همان‌طور که سابقاً عنوان شد تشهیر در مورد جرایم اقتصادی گسترده و مفسد اقتصادی، مجازاتی کارآمد و قابل توصیه خواهد بود. در این قبیل جرایم، بزه‌کار یقه‌سفید از مقام دولتی یا ارتباطات سیاسی خویش سوءاستفاده نموده و با ارتكاب جرم اقتصادی اعتماد عمومی به نظامات دولتی را خدشه‌دار می‌نماید. همچنین بیم آن می‌رود که عموم مردم وی را دارای مصونیت قضایی پنداشته و نسبت به دستگاه قضایی بدبین شوند. ترمیم این اعتماد عمومی و اثبات عدم مصونیت همگان در مقابل قانون حتی مقامات دولتی در پاره‌ای مواقع جز از طریق تشهیر ممکن نخواهد بود. سیره عملی ائمه اطهار (ع) و روایات رسیده در خصوص تشهیر مفسدان اقتصادی این رویکرد را تأیید می‌نماید.<sup>۱</sup>

نکته دوم آن است که هرچند تشهیر این قابلیت را داراست که کرامت انسانی مجرم را مخدوش نماید، اما گاه در خصوص برخی مجرمان و برخی جرایم اعاده حیثیت بزه‌دیدگان از جرم و یا حتی جبران آسیبی که از طریق ارتكاب جرم بدان‌ها وارد آمده است، جز با خدشه‌دار نمودن کرامت فرد بزه‌کار به دست نمی‌آید. برای مثال، می‌توان به تشهیر شاهد کاذب یا قاذف اشاره کرد. این‌گونه مجرمان موجب شده‌اند تا کرامت انسانی بزه‌دیدگان مورد خدشه قرار گیرد و مردم آنان را لاطی، زانی و یا گناهکار بدانند. قاضی در مقام تخفیف آثار جرم و جبران آن، سعی می‌نماید با تشهیر قاذف، باور عمومی مردم در خصوص بزه‌دیدگان را اصلاح کرده و کرامت آنان را بازگرداند. به بیان دیگر، اساساً مجرم با ارتكاب چنین جرایمی به صورت ضمنی پذیرفته است که کرامت خود را اسباب جبران آسیب وارده و اصلاح آثار جرم نماید.

نهایتاً در خصوص تعارض هدف اصلاح و درمان با مجازات تشهیر می‌بایست به این سؤال پاسخ داده شود که آیا باید مجازات در خصوص تمامی انواع جرایم و تمامی

۱. تمیمی، ابن حیون، منبع پیشین، ص. ۵۳۲.

مجرمان با هدف اصلاح و درمان صورت گیرد. طبیعی است که میان اهداف مجازات اولویت‌هایی وجود دارد و این اولویت‌بندی با تغییر جرم و مجرم متفاوت می‌گردد. گاه هدف اولیه از اعمال مجازات، اصلاح و درمان مجرم فرض شده و کیفری متناسب برای تحصیل چنین هدفی اعمال می‌شود. زمانی دیگر و در قبال جرم یا مجرمی دیگر، هدف بازدارندگی یا تشفی خاطر بزه‌دیده اولویت اول را به دست آورده و طراحی مجازات تغییر می‌یابد. اساساً آیا اصلاح و درمان می‌تواند به‌عنوان هدف لایتغیر مجازات‌ها تلقی شود؟ آیا نظام قضایی می‌بایست در خصوص مفسد اقتصادی که با آگاهی و عمد، اعتماد عمومی را مخدوش ساخته و به نظام اقتصادی کشور صدمات جبران‌ناپذیری را وارد ساخته است، سیاست اصلاح و درمان را پیش بگیرد؟ صرف اینکه تشهیر در برخی موارد، هدف اصلاح و درمان را محقق نمی‌سازد، دلیلی مبنی بر حذف آن از مجازات‌های نظام قضایی تلقی نخواهد شد.

با لحاظ نکات سه‌گانه فوق و در مقام جمع‌بندی، تشهیر را باید مجازاتی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد دانست که در خصوص جرایم و مجرمانی خاص اعمال می‌شود. مجازاتی که در صورت رعایت الزامات اخلاقی به‌واسطه طیف‌نگاری شرایط جرم، مجرم و سیاست کیفری می‌تواند به ابزاری کارآمد برای تحقق اهداف نظام عدالت کیفری بدل گردد.

## نتیجه‌گیری

مجازات تشهیر در متون روایی و نصوص فقهای شیعی تصریح شده و فقهای امامیه آن را با تمهیدات و مختصات ویژه‌ای در جرایمی چون قذف، شهادت دروغ، قوادی، محاربه و مفسد اقتصادی به کار بسته‌اند. قانون‌گذار ایران نیز آن را در قوانین متعددی از جمله قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ منعکس ساخته است. نوشتار حاضر با محور قراردادن دو شرط لازم و کافی برای پیش‌بینی ضمانت اجرای تشهیر در قانون، به بررسی مغایرت یا عدم مغایرت به‌کارگیری تشهیر در تعزیرات (به عنوان شرط لازم و سلبی) و کارا بودن آن (به عنوان شرط کافی و ایجابی) پرداخته است.

در مقام نخست باید بیان داشت که نه‌تنها مجازات تشهیر منحصر به موارد تعیین‌شده در روایات نمی‌باشد، بلکه اولاً فقها استخدام آن را به سایر جرایم تعزیری مانند قذف و برخی حدود مانند قوادی تعمیم داده‌اند و ثانیاً نوع و کیفیت مجازات تعزیری با لحاظ مقتضیات مطلقاً در حدود اختیارات حاکم شرع قرار داده شده است. این مهم، جعل کیفر تشهیر را مانند هر نوع مجازات تعزیری دیگر امکان‌پذیر می‌سازد. لذا، شرط لازم محقق بوده و مغایرتی از این باب بین پیش‌بینی ضمانت اجرای تشهیر با احکام شرعی وجود ندارد.

در مقام دوم (تجویز یا عدم تجویز کیفر تشهیر)، مبتنی بر آموزه‌های مکاتب کیفرشناسی معاصر، تبیین شده است که مجازات تشهیر می‌تواند در تحقق اهداف کلیدی سیستم عدالت کیفری مانند اخطار عمومی، بازدارندگی عام، پیشگیری از ارتکاب جرایم، جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی و در نهایت اعاده حیثیت بزه‌دیده مؤثر باشد. هم‌چنین نوشتار حاضر در یک رویکرد تطبیقی نشان داده است که این مجازات چگونه در راستای تحقق هر یک از اهداف فوق و با چه کیفیتی در قوانین فدرال، ایالتی و احکام دادگاه‌های ایالات متحده منعکس شده است. نظام دستورالعمل‌های صدور حکم در ایالات متحده، قانون فدرال مگان، مجموعه قوانین آگاه‌سازی عمومی در ۳۲ ایالت و انبوهی از احکام و آرای قضایی ایالات متحده در خصوص محکومین جرایم منافی عفت، جرایم اقتصادی و جرایم محیط‌زیست مجموعه‌ای از قوانین و رویه‌هایی است که گزاره‌های نظری نوشتار را تأیید می‌نماید. در نهایت، این نوشتار پس از اثبات کارکردهای مثبت تشهیر، مختصراً به مسئله تعارض این مجازات با کرامت انسانی و برخی اهداف مجازات همچون اصلاح و بازپروری پرداخته است. در مقام پاسخ، باید عنوان داشت که چگونگی توجه به تفکیک انواع

جرایم مثلاً جرایم اقتصادی از جرایم منافی عفت، تفکیک میان بزهکاران مانند قاذف و شاهد کاذب از سایر مجرمین و تفکیک میان سیاست‌های کیفری نظام قضایی در مقابله با جرایم مختلف مانند رویکرد افتراقی در قبال فساد مالی مسئولان دولتی می‌تواند پاسخگوی تعارض فوق باشد.

بر همین اساس، توجه به بسط ید حاکم در حوزه منطقه الفراغ احکام، اثبات امکان فقهی جعل مجازات تشهیر و نیز تجویز آن توسط نحل‌های کیفرشناختی معاصر، این فرصت را برای قانون‌گذار ایرانی فراهم می‌سازد تا با دیدی گسترده‌تر نسبت به این کیفر بنگرد. به نظر می‌رسد، مقنن می‌تواند با اتخاذ نگرشی نو، اعمال مجازات تشهیر را صرفاً به قالب انتشار محکومیت در رسانه‌های جمعی محدود نکرده و با استفاده از تجربیات سایر سیستم‌های عدالت کیفری، روش‌ها و کیفیات مختلفی برای اعمال این مجازات ابداع نماید. روش‌هایی که هم از استانداردهای لازم برای پاسداشت کرامت انسانی برخوردار بوده و هم جایگزین مناسب و کارآمدتری برای مجازات زندان محسوب گردند.

## منابع

- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشرنی، ۱۳۹۵.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، جلد ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المهذب البارع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- تمیمی، ابن حیون، دعائم الاسلام، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸.
- حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- خوبی، ابوالقاسم، تکمله المنهاج، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ.
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی، مسالک‌الفهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۱۴، قم، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۹ ق.
- \_\_\_\_\_، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۵.
- طبسی، نجم‌الدین، النفی و التغریب فی مصادر التشريع الإسلامی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۶ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوى، بیروت، انتشارات دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
- \_\_\_\_\_، تهذیب الأحکام، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيله إلى نیل الفضيله، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
- مجتهدی، محمدحسین، منطلق تحول اهداف مجازات و تحلیل سیاستگذاری‌های کیفی معاصر در غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد ۱۰، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، بی‌تا.
- مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه (للشیخ المفید)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.



- 
- میرزایی، نجفعلی، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.
  - نجفی (کاشف الغطاء)، احمد بن علی بن محمد رضا، سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ق.
  - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.
  - نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ ق.
  - نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
- 
- Andrix, J., "Negotiated Shame: An Inquiry into the Efficacy of Settlement in Imposing Publicity Sanctions on Corporations", *Cardozo Law Review*, vol. 28, 2007.
  - Book, A. S., "Shame on you: An analysis of Modern Shame Punishment as an Alternative to Incarceration", *Wm. & Mary Law Review*, vol. 40, 1999.
  - Braithwaite, J., *Crime, Shame and Reintegration*, Cambridge University Press, 1989.
  - Cromwell, P. F.; Del Carmen, R. V., *Community-based corrections*, Belmont, CA: West/Wadsworth, 1999.
  - Kahan, D. M.; Posner, E. A., "Shaming White-collar Criminals: A Proposal for Reform of the Federal Sentencing Guidelines", *The Journal of Law and Economics*, vol. 42, 1999.
  - Marguiles, J., "Deviance, Risk, and Law: Reflections on the Demand for the Preventive Detention of Suspected Terrorists", *Journal of Criminal Law and Criminology*, vol. 101, 2011.
  - McLaughlin, E.; Muncie, J.; Hughes, G. (Eds.), *Criminological Perspectives: Essential Readings*, Sage, 2003.
  - Owens, J. B., "Have We No Shame: Thoughts on Shaming, White Collar Criminals, and the Federal Sentencing Guidelines", *AU Law Review*, vol. 49, 1999.
  - Wright, Richard, *Sex Offender Laws, Second Edition: Failed Policies*, New Directions, New York, Springer Publishing Company, 2015.
  - Yun, IL Hong, "Why Low Crime Rate in East Asia? Confucianism: Beyond Reintegrative Shaming", Paper Presented at the Annual Meeting of the American Society of Criminology, Royal York, Toronto, Nov 15, 2005.